

# نقشهای مثبت و منفی خواص جامعه در بیان قرآن، کلام امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری

سید ابوالفضل حسینی

عضو هیات علمی دانشگاه تربیت معلم سبزوار

## چکیده

جامعه و تاریخ در بیش قرآنی قوانینی دارند و تابع ستهای الهی هستند. پیامبران در مسیر هدایت امت خویش دچار مشکلاتی می‌شده‌اند که عمده مشکلات آنان از ناحیه فرمانروایان، ملأ، مترفین، احبار و رهبان و علمای سوء بوده است که مردم را منحرف می‌کرده‌اند.

در جامعه اسلامی که وضیعت ویژه‌ای - بخصوص پس از پیروزی انقلاب اسلامی - برای علمای دین و روحانیت به وجود آمده است، رسالت سنگینی بر عهده آنان است تا براساسی جامعه ما الگویی برای تمام جهانیان گردد.

آیاتی از قرآن کریم در سه محور (سیاسی - اقتصادی و فرهنگی) به عنوان تذکر مورد استفاده قرار گرفته است. سیاستمداران باید شورا را مهم بشمارند؛ بدانند حق و عدل معیار حکومت است؛ جنبه مردمی پیامبران را الگویی خویش سازند؛ در مقابل سلطه کافران بایستند و با مردم خود صمیمی باشند. عدالت اقتصادی لازمه حکومت بر اساس حق و عدل است و شکاف عمیق اقتصادی، جامعه را به هلاکت می‌رساند. بعد اصلی در مبارزات پیش از انقلاب، فرهنگی بوده است و این جامعه باید با تکیه بر فرهنگ غنی اسلام، مصداق «کنتم خیر امة اخرجت للناس...» شود و خواص باید نقش خود را ایفا کنند. رهبر معظم انقلاب طی سالهای اخیر بر موضوع درسهای عاشورا و مهمتر از آن عبرتهای عاشورا تکیه کرده‌اند و اعتقادشان این است که در قضیه عاشورا، خواص به وظیفه خود عمل نکرده‌اند و از این نظر برای جامعه خودمان نیز امکان چنان وضعی را پیش بینی کرده‌اند. حضرت امام خمینی نیز در ماه‌های آخر عمرشان گله‌هایی دردمندانه از تسجیر و تقدس‌آبی بعضی روحانیون حوزه‌های علمیه، که مانع حرکت انقلابی می‌شده، ابراز کردند که «منشور روحانیت» نامیده شد. ایشان بر نقش دانشگاه‌ها و حوزه‌ها در هدایت و یا گمراهی جامعه تأکید داشتند. در پایان مقاله انتظارات مقام معظم رهبری از دانشجویان با توجه به ویژگیهای این قشر در جلوگیری از انحرافات جامعه بیان شده است.

## قانونمندی جامعه و تاریخ

در قرآن کریم سرنوشت جوامع انسانی به دست تصادف سپرده نشده بلکه پیدایش، حیات و مرگ تمدنها تابع قوانین و سنتهای الهی است. اجل و سرآمد هر اُمتی دقیقاً براساس همین سنتها فرا می‌رسد «لِكُلِّ اُمَّةٍ اَجَلٌ»<sup>۱</sup> و ساعتی پس و پیش نمی‌شود.

تغییر در سرنوشت جامعه و آنچه به ملت مربوط است در عین حال که با دست قدرت الهی و براساس سنتهای او، صورت می‌گیرد، با وجود این، اراده و نقش مردم در آن کاملاً لحاظ شده است. «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم...»<sup>۲</sup> «ذالک بان الله لم یکن مغیراً نعمته انعمها علی قوم حتی یغیروا بانفسهم»<sup>۳</sup> «تغییرانفسی» در طول و جزء سنن الهی است.

خداوند حتی جامعه ایمانی را مورد خطاب قرار می‌دهد که اگر آنان نیز از ایمان خویش رو برگردانند، طولی نخواهد کشید که گروهی را جایگزین آنان خواهد کرد که دوستدار خدایند و خدا نیز آنان را دوست دارد. اینان (برخلاف گروه پیش) در برابر مؤمنان، خاضع و در برابر کافران، سرسخت هستند.<sup>۴</sup>

اراده الهی این است و به مؤمنان وعده داده است که مستضعفان مؤمنی که عمل صالحانه داشته باشند، رهبری را در زمین در دست گیرند و جایگزین حکومتهای جابر گردند.<sup>۵</sup>

خداوند تصریح می‌کند که او جوامع را به ظلم و ستم ناپود نمی‌کند در صورتی که مردم، مصلح باشند؛<sup>۶</sup>

نه تنها چنین نیست بلکه حتماً جوامعی که به هلاکت رسیده‌اند سرشار از ظلم بوده‌اند و یقیناً پیشتر، رسولی آیات خدا را بر آنان تلاوت کرده است.<sup>۷</sup>

## پیامبران در همه جوامع

این بحث قرآنی بسیار شگفت‌انگیز است که در چند آیه تکرار شده که «هر امتی را رسولی است» «لِکُلِّ اُمَّةٍ رَّسُولٌ»<sup>۸</sup> ولقد بعثنا فی کل امة رسولا ان اعبدوا الله واجتنبوا

الطاغوت...»<sup>۹</sup> در هر امتی رسولی مبعوث کردیم که خدای را عبادت کنید و از طاغوت بپرهیزید.

هیچ امتی نیست مگر اینکه نذیر و پیامبر انذار دهنده‌ای در آن وجود داشته است «و ان من امة الا خلا فيها نذیر»<sup>۱۰</sup>

آیا این آیات بروشنی نشان نمی‌دهند که خداوند برای هیچ امتی از فرستادن پیامبران و حجّت ظاهری (علاوه بر فطرت و عقل، حجّت باطنی) فروگذار نکرده است؟ آری این رسولان به تصریح قرآن برای قیام مردم به قسط آمده‌اند «لیقوم الناس بالقسط»<sup>۱۱</sup> و مردم حق جوی می‌باید از آنان پیروی می‌کنند «و ما ارسلنا من رسول الا لیطاع باذن الله»<sup>۱۲</sup> اما متأسفانه همه رسولان با مشکلات ناشی از امتها روبرو بوده‌اند. «هت كل امة برسولهم»<sup>۱۳</sup>

پیامبران پیام خویش را بخوبی رسانده‌اند ولی استعداد جوامع بیش از این پذیرای آنان نبوده است. ثمره رنج بی‌شمار پیامبران الهی در راه هدایت بشر به اکمال دین و اتمام نعمت از طریق خاتم النبیین محمد مصطفی (ص) منتهی شد.<sup>۱۴</sup>

### نقش گروه‌های خاص اجتماعی در سرنوشت جوامع

همان گونه که قبلاً بیان شد، پیدایش، بقا، حرکت و نابودی تمدن‌ها و جوامع در گذشته، حال و آینده تابع قوانینی است که با ژرف اندیشی در قرآن کریم می‌توان به بخشی از اصول آن دست یافت. ما در این مقاله درصدد بیان و تشریح این قوانین و سنن الهی نیستیم بلکه می‌خواهیم اجمالاً نقش گروه‌های خاصی از اقشار و طبقات اجتماعی را که در سرنوشت جوامع خویش بطور مثبت یا منفی مؤثر بوده‌اند از دیدگاه آیات قرآن کریم بررسی کنیم. البته نقش منفی طبقات برخوردار در سه چهره «زور و زور و تزویر» به گونه‌ای عجیب در قرآن نشان داده شده است اکنون نگاهی به این گروه‌های خاص می‌افکنیم:

الف - فرمانروایان

نماد حاکم سرکش و طاغی و مفسد، فرعون است. «ان فرعون علا فی الارض و جعل

اهلها شیعاً، يستضعف طائفة منهم، يذبح ابناء هم و يستحيى نساءهم، انه كان من المفسدين»<sup>۱۵</sup>  
 فرعون شکاف طبقاتی را به حدی رسانده که گروهی را به استضعاف کامل گرفتار کرده بود، پسرانشان را می‌کشت (تا نطفه انقلاب اجتماعی علیه او بسته نشود) زنانشان را به بهره‌کشی می‌بردند. او که براستی مظهر فساد بود و خود را «رب» مردم می‌دانست در مقابل قیام موسی (ع) به حيله‌های دینی متوسل شد. فرعون فریاد و اسلماً سرداد و کار موسی را فساد خواند: «انی اخاف ان یبدل دینکم او ان یظهر فی الارض الفساد»<sup>۱۶</sup>.

بدین سان است که در هر کشوری مجرمان بزرگ و جنایتکاران اصلی به حيله و نیرنگ و فریب مردم دست می‌زنند «و کذالک جعلنا فی کلّ قریه اکابر مجرمین لیکروا فیها و ما یمکرون الا بانفسهم و ما یشعرون»<sup>۱۷</sup>

چه بسیار جوامعی که در تاریخ دارای امکانات حکومتی وسیع بودند و در عین حال که وضعیت اقتصادی خوبی نیز داشته‌اند اما به دلیل گناهان و ظلم و ستم حاکم بر جامعه نابود، و گروهی دیگر جایگزین آنان شده‌اند «الم یروا کم اهلکنا من قبلهم من قرن مکتنا هم فی الارض الم نمکن لکم و ازلنا السماء علیهم مدراً و جعلنا الانهار تجری من تحتهم فاهلکناهم بذنوبهم و انشاننا من بعدهم قرناً آخرین»<sup>۱۸</sup>

این هشدار خوبی برای جوامع در حال توسعه است که بدانند رشد اقتصادی بدون عدالت اجتماعی نتیجه مطلوبی نمی‌دهد؛ بلکه اگر ظلم اجتماعی نباشد در سایه عدالت، توسعه نیز مفید است.

نقش گمراه‌کننده به ظاهر بزرگان جامعه کفر به گونه‌ای است که «کافران» در جهنم می‌گویند خدایا ما از مهتران و بزرگانمان اطاعت کردیم؛ آنان گمراهمان کردند... «قالوا ربنا انا اطعنا سادتنا و کبرائنا فاضلونا السبیل»<sup>۱۹</sup>

ب - ملأ

«ملأ، اشراف و بزرگان قوم و خواص آنها هستند. این طبقه از افراد اجتماع را از این نظر ملأ گفته‌اند که هیبت آنان (و نیز هیأتشان) دلها را و زینت و جمالشان، چشمها را پر می‌کند و تعجب بیننده را برمی‌انگیزد.... به اشراف و بزرگان هر قوم و ملتی، ملأ می‌گویند یا به واسطه بلندی منزلتشان و یا به واسطه احتیاجی که مردم بدانان دارند و گرداگردشان

جمع می‌شوند.<sup>۲۰</sup>

ملاً و سران کافر در قوم حضرت نوح می‌گفتند که این نوح نیز بشری مثل دیگران است اما می‌خواهد برتری جویی کند و اگر خدا می‌خواست می‌توانست ملائکه را بفرستد و حال اینکه آنچه نوح می‌گوید در تاریخ پدرانمان سابقه ندارد.<sup>۲۱</sup> اینان بی‌شرمی را به حدی رسانده بودند که مستقیماً به نوح می‌گفتند که تو را در گمراهی مشخص می‌بینیم.<sup>۲۲</sup>

بعد از نوح نیز ملاً بهره‌مند کافر پیشه چنین سخنانی را در مقابل پیامبران می‌گفته‌اند.<sup>۲۳</sup>

### ج - مترفین

«مترف (به صیغه مفعول) آن که غرق نعمت است و در قرآن همیشه مورد نکوهش است. مترف کسی است که به فراخی نعمت، خدا را فراموش کند و فریفته دنیا شود.»<sup>۲۴</sup>

در قرآن کریم به عنوان قاعده کلی و بدون استثنا در تاریخ همه انبیا بیان شده است که «در هیچ دیاری هیچ پیامبر انذاردهنده‌ای را نفرستادیم مگر اینکه مترفین و متنعمان آن در مقابل پیامبران موضعگیری کردند و گفتند که ما به آنچه به ابلاغ آن فرستاده شده‌اید، کافریم (و با تکبر) می‌گفتند که ما از نظر توان اقتصادی و نیروی انسانی - اموال و اولاد - در موضع بالاتریم و کیست که ما را عذاب کند!» «و ما ارسلنا فی قریه من نذیر الا قال مترفوها انا بما ارسلتم به کافرون و قالوا نحن اکثر اموالاً و اولاداً و ما نحن بمعذبین»<sup>۲۵</sup>

آری انسان نوعاً همین که احساس بی‌نیازی کند، احتمال سرکشی دارد «ان الانسان لیطغی ان راه استغنی»<sup>۲۶</sup> همانگونه که خواص جامعه به این دلیل که احتمال استغنائشان بیشتر است، خطر سرکشی و طغیان و طاغوت صفتی آنان نیز بیشتر است.

### د- احبار و رهبان و علما

علما، دانشمندان و روحانیت وابسته از عوامل اصلی انحراف و گمراهی مردم از دین خدا بوده‌اند؛ همانها که منافع مادی و دنیوی‌شان با ملاً و مترف گره خورده و علیه انبیا و اولیا و مصلحان در طول تاریخ بشر، عمل کرده‌اند. در سوره بقره آیه ۲۱۳ آمده است که «مردم امتی واحد بودند، پس خداوند، پیامبرانی که بشیر و نذیر بودند مبعوث کرد و

با آنان کتاب را به حق فرستاد تا بین مردم در اختلافاتشان حکم کنند. بجز کسانی که به آنها کتاب داده شده و پس از اینکه دلایل روشنی برایشان ارائه شد به دلیل سرکشی و تجاوزی که بین آنها بود، کسی اختلاف نکرد...»<sup>۲۷</sup> «یعنی گروهی از مردم و علمای سوء، همین کتاب را، که حاوی معارف الهی و موازین و نظامهای دنیایی و اجتماعی بود، مورد سوء استفاده قرار دادند و مردم را پراکنده کردند...»<sup>۲۸</sup>

در سوره شوری آیه ۱۴ نیز تأکید دارد که «و ما تفرقوا الا من بعد ما جاءهم العلم بغیا بینهم...»<sup>۲۹</sup> این پراکندگی و تفرقه‌انگیزی با وجود علم و از روی بغی و تجاوز و گناه است. در مورد بسیاری از احبار و رهبان نیز هشدار داده شده است: «یا ایها الذین آمنوا ان کثیراً من الاحبار و الرهبان لیاکلون اموال الناس بالباطل و یصدون عن سبیل الله، و الذین ینکثون الذهب و الفضة و لاینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم»<sup>۳۰</sup>

بسیاری از احبار و رهبان (روحانیت یهود و نصاری) هم مال مردم را می‌خورند و هم از راه خدا باز می‌دارند و اینان نیز مستوجب عذاب الهی هستند.

جالب است که قرآن خبر می‌دهد برخی از یهود و مسیحیان، احبار و رهبان را در برابر خدا ارباب خویش گرفته و نقش خدایی برایشان قائل شده‌اند. «اتخذوا احبارهم و رهبانهم ارباباً من دون الله»<sup>۳۱</sup> شاید این موضوع از عوامل زمینه ساز عذاب الهی در بنی اسرائیل شده باشد.

این خطر در جوامع مذهبی وجود دارد که با سوء استفاده از حقیقت دین، عده‌ای زیر پوشش مذهب، دیانت، شرع، روحانیت، مسجد و معبد و کلیسا و... به سودجویی و کسب مقام و موقعیت بپردازند و این رسالت عالمان واقعی را بیشتر می‌کند.

در باره برخی علمای یهود، آیاتی در قرآن کریم وجود دارد که نشان می‌دهد چگونه آنان در کلام الهی دست می‌برده‌اند. «افتطمعون ان یؤمنوا لکم و قد کان فریق منہم یسمعون کلام الله ثم یمحرفونه من بعد ما عقلوه و هم یعلمون»<sup>۳۲</sup>. «آیا طمع دارید که به شما ایمان بیاورند در حالی که گروهی از آنان سخن خدا را می‌شنیدند پس از آن تحریف می‌کردند با اینکه دانسته و شناخته بودند و می‌دانستند که آنچه می‌گویند دروغ است.»

داستان سوء استفاده سامری از غیبت موسی نیز در خور توجه است که مردم را گمراه

کرد. «...واضلهم السامری...»<sup>۳۳</sup>

در تاریخ اسلام گرچه تحریف در ظاهر کلام الهی صورت نگرفته اما تحریف محتوایی بسیار صورت گرفته، تا آنجا که گاه چهره‌ای کاملاً متفاوت از آن نشان داده شده است. تعابیری چون «تسنن اموی» در مقابل «تسنن محمدی»، «تشیع صفوی» در مقابل «تشیع علوی»، «اسلام آمریکایی» در مقابل «اسلام ناب محمدی» حکایتگر چنین جریاناتی است و تاریخ پر است از جنگ «مذهب علیه مذهب».

### جامعه اسلامی و رسالت آگاهان

جامعه اسلامی امروز، با گذار از دوران قیام و نهضت اسلامی و پس از پیروزی انقلاب وضعیت ویژه‌ای در دنیا دارد: اولاً بعد اساسی مؤثر در پیروزی انقلاب، بعد فرهنگی بوده است. پس از انقلاب خفقان پیش از انقلاب از حوزه‌های علمیه برداشته شد و علمای دینی در فضایی جدید از آزادی عمل فراوانی در جهت ارائه دیدگاه‌های خویش برخوردارند.

نظریات فقهی آنان دیگر نظریه و فقط در حوزه درس مطرح نیست، بلکه مبنای حکومت و اداره جامعه است. حضور گسترده روحانیت در نهادها و مراکز مختلف از دولت، مجلس و دادگستری (قوای سه گانه) تا نمازهای جمعه و جماعات، رادیو و تلویزیون، دانشگاه‌ها و شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام و با پشتوانه عظیم فرهنگ اسلامی، مسئولیتی بس خطیر را متوجه آنان می‌کند. برآستی اگر روحانیت و علمای دین، موقعیت خویش را بویژه در مقایسه با دوران استبدادی پهلوی در کشور خودمان و نیز در مقایسه با همه کشورهای دیگر بخوبی درک نکنند و یا نتوانند وضع امروز و نیاز امروز نسل جوان ایران و جهان را تشخیص دهند، قطعاً بهترین موقعیت تاریخی را از دست می‌دهند.

نباید کاری کرد که این تجربه عظیم بشری در تاریخ معاصر - یعنی وقوع انقلاب اسلامی و گرایش مجدد به دین - چهره بدی به خود بگیرد و دنیای نیازمند معنویت، ازین تجربه، مأیوس گردد.

امروز همه رهبران و مسئولان و عالمان و روشنفکران، باید بکوشند جامعه، شایسته این آیه قرآن باشد که: «و کذالک جعلناکم امة و سبطاً لکنونوا شهداء علی الناس و یکون الرسول علیکم شهیداً»<sup>۳۴</sup>

براستی مطمئن باشیم که اگر به معنای واقعی کلمه، جامعه‌ای مؤمن داشته باشیم، سرآمد همه جوامع خواهیم شد «ولاتهنوا و لاتخزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین»<sup>۳۵</sup> اگر آن چنانکه بزرگان علما و خطبا موظفند که مردم را به ایمان و تقوی دعوت کنند، عملاً نیز ایمان و تقوی در کشوری گسترش یابد، درهای برکات الهی از آسمان و زمین بر رویشان باز خواهد، اما اگر فرهنگ ریاکاری و دروغ حاکم گردد، به عذایی که نتیجه اعمالشان است گرفتار خواهند شد و سبحان الله که قرآن چه صریح و بدون رودربایستی سخن می‌گوید. «ولو ان اهل القری آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض و لکن کذبوا فاخذناهم بما کانوا یکسبون»<sup>۳۶</sup>

در این مجال و با این مایه اندک علمی، ما را توان ارائه راه‌های کامل برای جلوگیری از انحرافهای احتمالی نیست. فقط از باب

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

چند آیه قرآنی را که بویژه به گروه‌های خاص جامعه نظر دارد مرور می‌کنیم تا تذکری برای همه ما باشد و بویژه آنان که در پستهای بالاتری از موقعیتهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه قرار گرفته‌اند؛ به یاد بیاورند که مسئولیتی در حد مقامهای خویش دارند.

### تذکرات قرآنی در سه محور به اجمال بیان می‌شود

الف - زمینه‌های سیاسی - نظامی و قضایی

ضرورتی ندارد که در اینجا مفاد قانون اساسی و وظایف و اختیارات نهادهای مختلف به بحث گذاشته شود. فرض بر این است که اصول آن مورد توافق و قبول همگان (یا اکثریت جامعه) است و به عنوان میثاق ملی باید معیار عمل اجتماعی همه مسئولان قرار گیرد.



خوشبختانه آیات «وامرهم شوری بینهم»<sup>۳۷</sup> و «شاوورهم فی الامر»<sup>۳۸</sup> مورد توجه قانونگذاران بوده ولی آنچه مورد نظر است این است که همه دست اندرکاران بدانند که وقتی پیامبر بزرگ اسلام مأمور به مشورت است [با توجه به مواردی که فعلاً مورد بحث ما نیست]، وظیفه دیگران معلوم است. اساساً اهمیت این کار برای جلوگیری از افتادن به دام خودرأیی و خود بزرگ بینی مسئولان است.

معیار حکومت و قضاوت «حق و عدل» است. «یا داوود انا جعلناک خلیفة فی الارض فاحکم بین الناس بالحق»<sup>۳۹</sup> محتوای این دستور الهی به داوود اختصاص ندارد بلکه همه کسانی که مدعی حکومتی در تداوم حکومت داوود و سایر پیامبران الهی هستند به حکمرانی براساس حق موظفند. باید در نظر داشته باشیم که در نگرش اسلامی حق، محور است و شخص را باید با آن سنجید و نه به عکس.

در قرآن بر جنبه‌های مردمی انبیا تأکید خاصی شده است (بگذریم از یاهوهایی که مترفین و ملأ و طاغوتها در باره پیامبران می‌گفتند...) «... بعث فی الاممین رسولا منهم...»<sup>۴۰</sup> «لقد من الله علی المؤمنین اذ بعث فیهم رسولا من انفسهم...»<sup>۴۱</sup> «و الی عاد اخاهم هوداً...»<sup>۴۲</sup> «و الی مدین اخاهم شعیباً...»<sup>۴۳</sup> «و الی ثمود اخاهم صالحاً...»<sup>۴۴</sup> «اذ قال لهم اخوهم نوح الاتقون...»<sup>۴۵</sup> «واذ قال لهم اخوهم لوط...»<sup>۴۶</sup>

این آیات چه می‌گویند؟ چه درسی به ما می‌دهند؟ از چه رابطه‌ای بین ما موران ابلاغ و اجرای دین الهی با مردم سخن می‌گویند؟

«در میان اممین»، «از خودشان»، «در میان آنان از خود مردم»، «برادرشان»، «برادر قوم»

و...

همه به یاد داریم که بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران می‌فرمودند: اگر به من خدمتگزار بگویند بهتر است از این که رهبر بگویند و هم ایشان در منشور روحانیت می‌فرمایند: «خدا می‌داند که شخصاً برای خود ذره‌ای مصونیت و حق امتیاز قائل نیستم، اگر تخلفی از من هم سرزنند، مهیای مؤاخذه‌ام.»<sup>۴۷</sup>

این جنبه مردمی و از مردم بودن اختصاص به پیامبران ندارد، بلکه اولی الامر نیز از مؤمنان است. آیه بسیار مشهور «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی

الامر منکم»<sup>۴۸</sup> خطاب به مؤمنین است که اولی الامر از بین خودتان و از شماست و این نکته مهمی است که معمولاً در جامعه، خیلی بر آن تأکید نشده است.

از مهمترین وظایف رهبری در جامعه اسلامی مواظبت بر این اصل قرآنی است که «لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً»<sup>۴۹</sup> راه سلطه کافران بر جامعه اسلامی را سد کند و از «اشداء على الكفار ورحماء بينهم»<sup>۵۰</sup> باشد. رأفت و نرمی در میان مردم از رحمت‌های الهی بر پیامبر بزرگوار اسلام است که در غیر این صورت اگر در شتخوی و سنگدل می بود نمی توانست بر دلها حکومت کند. «فما رحمة من الله لئن لهم ولو كنت فظاً غليظ القلب لا نفضوا من حولك. فاعف عنهم و استغفر لهم و شاورهم في الامر فاذا عزمتم فتوكل على الله ان الله يحب المتوكلين»<sup>۵۱</sup>

رابطه صمیمی بین مسئولان جامعه با مردم مهمترین عامل بقای آن جامعه خواهد بود.

#### ب- زمینه‌های اقتصادی

از لوازم و پیامدهای اعتقاد به حکومت بر اساس حق و عدل و قیام مردم برای برپای داشتن قسط، عدالت اقتصادی است، اگر سیاستها و روند حکومت به سویی باشد که مترقان شکل بگیرند خطر عمده‌ای از سوی آنان، نظام اسلامی را تهدید خواهد کرد، یا اینکه خدای ناکرده بر نظام مسلط خواهند شد و اسلام آمریکایی را جایگزین اسلام ناب محمدی خواهند کرد.

اگر شکافهای عمیق طبقاتی در جوامع پرنشود هلاکت آنها را به دنبال خواهد داشت «انفقوا في سبيل الله و لا تعلقوا بايديكم الى التهلكه»<sup>۵۲</sup>

از مهمترین ویژگیهای تقوی، که خود معیار کرامت انسان در پیشگاه خداست، عدالت است و یکی از مهمترین ابعاد عدالت در حکومت، عدالت در اقتصاد است و افتخار تشیع این است که امیرالمؤمنین در محراب عبادت به واسطه عدلش به شهادت رسید.

#### ج- زمینه‌های فرهنگی

همانگونه که گفته شد وجهه اصلی مبارزات پیش از انقلاب، فرهنگی بود. اکنون نیز

باید پیام فرهنگی برای دنیا داشته باشیم «ولتكن امة يدعون الى الخير...»<sup>۵۳</sup> شایستگیهای خویش را در جوّی سالم و مبتنی بر امر به معروف و نهی از منکر دو جانبه بین مسئولان و مردم و بالعکس افزایش دهیم؛ تا آنجا که شایسته این خطاب خداوندی قرار گیریم که «کنتم خیر امة اخرجت للناس، تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر...»<sup>۵۴</sup>

آنچه در زمینه نقش خواص گفته می‌شود، بخش عمده‌اش به علما، دانشمندان، طلاب علوم دینی و دانشجویان و روشنفکران جامعه مربوط است. هر کس آگاهتر است، مسئولتر نیز هست. اختلاف سلیقه‌ها اگر در جامعه‌ای نباشد شاید نشان کمبود اندیشه و یا خفقان است و اختلاف سلیقه در اندیشمندان و متفکران جامعه به رشد و بالندگی فرهنگی کمک می‌کند. بنابراین باید وضعیتی به وجود آید که از دیدگاه‌های صاحب‌نظران دلسوز و متعهد استفاده شود. چنین نباشد که هر کس تریبونی به دست آورد خود را بی‌نیاز و برتر از دیگران بداند. اگر چنین شد، زمینه رشد فکری در جامعه مساعد نمی‌شود و ملت در برابر توطئه‌ها فریب خواهد خورد. آگاهی‌بخشی به جامعه، رسالت بزرگ آگاهان است.

نقش آگاهان و کوتاهی آنان در رسالتشان از موضوعاتی است که طی سالهای اخیر ذهن مقام معظم رهبری را در زمینه «درسه‌ها و عبرتهای عاشورا» به خودمشغول کرده است؛ ایشان می‌فرمایند: «حادثه عظیم (عاشورا) از دو جهت قابل تأمل و تدبیر است.» جهت اول، درسه‌های عاشورا است. عاشورا پیامها و درسهایی دارد. عاشورا به ما درس می‌دهد که برای حفظ دین باید فداکاری کرد... .

جهت دوم،... عبرتهای عاشورا است. عاشورا غیر از درس، یک صحنه عبرت است. انسان باید در این صحنه نگاه کند تا عبرت بگیرد... یعنی خود را با آن وضعیت مقایسه کند و بفهمد در چه حال و وضعی قرار دارد. چه چیزی او را تهدید می‌کند و چه چیزی برای او لازم است... .

اولین عبرتی که در قضیه عاشورا ما را متوجه خود می‌کند این است که ببینیم چه شد که پنجاه سال بعد از درگذشت پیغمبر (ص)، جامعه اسلامی به آن حد رسید که کسی مثل امام حسین (ع) ناچار شد برای نجات جامعه این چنین فداکاری بکند.

جواب این است که یک بیماری وجود دارد که می‌تواند جامعه‌ای که در رأس آن کسی مثل پیغمبر اسلام (ص) و امیرالمومنین (ع) بوده است را در ظرف چند ده سال به آن وضعیت برساند. پس این یک بیماری خطرناکی است و ما هم باید از این بیماری بترسیم... جامعه ما خیلی باید مواظب باشد که به آن بیماری دچار نشود... ۵۵.

حضرت آیه‌الله خامنه‌ای در سخنرانی مهمی ضمن تأکید بر عبرتهای عاشورا درباره نقش خواص در حوادث تاریخ و عاشورا فرمودند: «قرآن، مسلمانان را به عبرت گرفتن از تاریخ دعوت می‌کند... از درسهای عاشورا، مهمتر، عبرتهای عاشورا است... بیم آن می‌رود که جامعه اسلامی ما به آنجا برسد که امام حسین (ع) با آن مواجه شد و انتظار می‌رود که این معنی در فرهنگ کنونی کشور ما از سوی افراد صاحب رأی و نظر و فکر و اندیشه به وجود آید و عبرت لازم از حادثه عاشورا گرفته شود.

کسانی که براساس فکر و آگاهی و تحلیل، تصمیمی را اتخاذ و به آن عمل می‌کنند در زمره خواص هستند و کسانی که بدون تحلیل و تشخیص صحیح، تحت تأثیر جو اقدام و حرکت می‌کنند، عوام نامیده می‌شوند. بنابراین عوام یا خواص بودن، ارتباطی با فقر، ثروت، باسواد بودن یا بی‌سوادی و مرد و زن بودن ندارد... خواص طرفدار حق در هنگام عمل به تکالیف دشوار و در برابر امتحانهای سخت یا آنطورند که براحتی از متاع و بهره‌های زندگی دنیوی دست برمی‌دارند و یا چنانند که در شرایط سخت و دشوار نمی‌توانند بر زیباییهای مادی زندگی نظیر مقام، شهرت، پول، لذت و راحتی چشم فرو بندند. بنابراین هرگاه تعداد خواص طرفدار حق که حاضرند از متاع دنیا دست بردارند و حتی از جان خود دست بشویند، بیشتر باشد، آن جامعه کاملاً بیمه خواهد شد و هیچگاه دچار حالت دوران امام حسین (ع) نمی‌شود...

کسی که از روی بصیرت کار نمی‌کند در زمره عوام است. بنابراین برای عوام نبودن باید هرکاری که انجام می‌شود براساس بصیرت باشد... بنابراین اینجانب هر چه در ماجرای عاشورا دقت می‌کنم درمی‌یابم که خواص طرفدار حق بیشترین تقصیر را دارند و برخی از آنان در نهایت بدی عمل کردند...

تشخیص، تصمیم‌گیری و اقدام خواص در وقت لازم و گذشت به هنگام آنان از

زیباییهای فریبنده دنیا تاریخ را نجات می‌دهد و ارزشها را حفظ می‌کند بنابراین خواص باید در لحظه مناسب، حرکت لازم را انجام دهند، چه در غیر این صورت، اقدام بعدی آنان ثمری نخواهد داشت.<sup>۵۱</sup>

حضرت امام خمینی در ماه‌های آخر عمر پربرکت خویش درد دل‌هایی دربارهٔ دسته‌هایی از خواص را در منشور روحانیت بدین شرح بیان کردند:

«در حوزه‌های علمیه، هستند افرادی که علیه انقلاب و اسلام ناب محمدی فعالیت دارند». امروز عده‌ای با ژست تقدس مآبی چنان تیشه به ریشهٔ دین و انقلاب و نظام می‌زنند که گویی وظیفه‌ای غیر از این ندارند...

استکبار وقتی که از نابودی مطلق روحانیت و حوزه‌ها مأیوس شد، دو راه را برای ضربه زدن انتخاب نمود؛ یکی راه ارباب و زور، و دیگری راه خدعه و نفوذ. در قرن معاصر، وقتی حربه ارباب و تهدید چندان کارگر نشد، راه‌های نفوذ تقویت گردید... یقیناً روحانیون مجاهد از نفوذ، بیشتر زخم برداشته‌اند. گمان نکنید که تهمت وابستگی و افترای بی دینی را تنها اغیار به روحانیت زده است! هرگز! ضربات روحانیت ناآگاه و آگاه و وابسته بمراتب کاری تر از اغیار بوده و هست...

ترویج تفکر «شاه سایهٔ خداست» و یا «باگوش و پوست نمی‌توان در مقابل توپ و تانک ایستاد» و اینکه «ما مکلف به جهاد و مبارزه نیستیم» و یا «جواب خون مقتولین را چه کسی می‌دهد؟ و از همه شکننده‌تر، شعار گمراه‌کنندهٔ «حکومت، قبل از ظهور امام‌زمان علیه‌السلام باطل است». و هزاران «ان‌قُلت» دیگر، مشکلات بزرگ و جانفرسایی بودند که نمی‌شد با نصیحت و مبارزهٔ منفی و تبلیغات جلو آنها را گرفت. تنها راه حل، مبارزه و ایثار خون بود که خداوند وسیله‌اش را آماده نمود.

واقعاً روحانیت اصیل در تنهایی و اسارت، خون می‌گریست که چگونه آمریکا و نوکرش پهلوی می‌خواهند ریشهٔ دیانت و اسلام را برکنند و عده‌ای روحانی مقدس‌نمای ناآگاه یا بازیخورده و عده‌ای وابسته که چهره‌شان بعد از پیروزی، روشن گشت، مسیر این خیانت بزرگ را هموار می‌نمودند...

راستی... فریاد تحریم نبرد با دشمنان خدا و به مسخره گرفتن فرهنگ شهادت و

شهیدان و اظهار طعن‌ها و کتایب‌ها نسبت به مشروعیت نظام کار کیست، عوام یا خواص؟! خواص از چه گروهی؟ از به ظاهر معتمین یا غیر آن؟ بگذریم که حرف، بسیار است. همه اینها نتیجه نفوذ بیگانگان در جایگاه و در فرهنگ حوزه‌هاست و برخورد واقعی هم با این خطرات، بسیار مشکل و پیچیده است «از یک طرف وظیفه تبیین حقایق و واقعیات و اجرای حق و عدالت در حد توان و از طرف دیگر مراقبت از نیفتادن سوژه‌ای به دست دشمنان، کار آسانی نیست.»<sup>۵۷</sup>

آنچه در سطور فوق آمد گوشه‌ای از درد دل حضرت امام «در منشور روحانیت» بود. آن بزرگوار در مناسبت روز وحدت حوزه و دانشگاه در جمع طلاب و دانشجویان فرمودند «شما می‌دانید که مرحوم شیخ فضل‌الله نوری را کی محاکمه کرد؛ یک معتم زنجانی، یک ملای زنجانی، محاکمه کرد و حکم قتل را صادر کرد. وقتی معتم و ملای مهذب نباشد، فسادش از همه کس بیشتر است... اگر عالم فاسد شود، یک شهر را یک کشور را به فساد می‌کشد، چه عالم دانشگاه باشد، چه عالم فیضیه، فرقی نمی‌کند.»

حضرت امام بارها بر خطر دانشگاه استعماری نیز تأکید کرده‌اند و اعتقاد داشتند که «دنیا را دانشگاه به فساد کشانده است و دنیا را دانشگاه می‌تواند به صلاح بکشد.»

انتظارات از خواص تماماً در این مقال نمی‌گنجد. در پایان با انتظارات مقام معظم از دانشجویان، که مکمل سخنرانی معظم‌له است، سخن را به پایان می‌بریم:

«قشر دانشجو، به مجموعه‌ای از نیروهای جوان، فرهنگی، باهوش، روشنفکر و آگاه اطلاق می‌شود که نسبت به جهت‌گیرهای جامعه خود مسئولیت مضاعف احساس می‌کند، بنابراین از چنین مجموعه‌ای انتظار می‌رود که در وضع کلی مردم و کشور و نیز در تلطیف فضای عمومی آن دارای نقش باشد و در مقابل هرگونه انحرافی که فضای تنفس فکری جامعه را مسموم و آلوده می‌کند، واکنش نشان دهد...»

تمامی مشکلاتی که در طول تاریخ درد آور و غمبار اسلامی بروز کرده است، ریشه در ترکیب دو عامل یعنی؛ خیانت برخی از خواص و دنباله‌روی بسیاری از عوام دارد و این مشکلی است که امکان وقوع آن، همیشه وجود دارد و ممکن است تعدادی از خواص دانسته و فهمیده خیانت کنند، از راه راست منحرف شوند؛ در خدمت هوای نفس خود قرار گیرند و به مال اندوزی و قدرت طلبی گرفتار شوند و بسیاری از عوام را نیز به دنبال خود به گمراهی و ضلالت بکشند...

معنای سیاسی شدن دانشگاه‌ها در این است که در محیطهای دانشجویی، هیچ فرد عوامی وجود نداشته باشد و یکایک عناصر دانشجو از قدرت تحلیل مسائل سیاسی

جامعه برخوردار باشند. دانشجویان امروز صاحبمنصبان فردای کشور هستند و قدرت تحلیل و جهتگیری صحیح آنان می‌تواند خطر خیانت خواص و دنباله‌روی عوام را بمراتب کم کند.<sup>۵۸</sup>

### یادداشتها

- ۱- سوره اعراف، آیه ۳۳
- ۲- سوره رعد، آیه ۲
- ۳- سوره انفال، آیه ۵۴
- ۳- سوره مائده، آیه ۵۲
- ۵- سوره قصص، آیه ۵ و آل عمران، آیه ۱۳۳
- ۶- سوره هود، آیه ۱۱۷
- ۷- سوره قصص، آیه ۵۸ و ۵۹
- ۸- سوره یونس، آیه ۳۷
- ۹- سوره نحل، آیه ۳۶
- ۱۰- سوره فاطر (ملائکه)، آیه ۲۳
- ۱۱- سوره حدید، آیه ۲۵
- ۱۲- سوره نساء، آیه ۶۳
- ۱۳- سوره غافر (مؤمن)، آیه ۵
- ۱۳- سوره مائده، آیه ۳ و احزاب، آیه ۵۴
- ۱۵- سوره قصص، آیه ۴
- ۱۶- سوره مؤمن، آیه ۲۶
- ۱۷- سوره انعام، آیه ۱۳۳
- ۱۸- سوره انعام، آیه ۶
- ۱۹- سوره احزاب، آیه ۶۷
- ۲۰- شعرانی، علامه میرزا ابوالحسن، نثر طویلی، ج ۲ - ص ۳۱۲. چاپ دوم - کتابفروشی اسلامیة
- ۲۱- سوره مؤمنون، آیه ۲۳
- ۲۲- سوره اعراف، آیه ۶۱
- ۲۳- سوره مؤمنون، آیه ۳۲ تا ۳۳
- ۲۴- شعرانی، علامه میرزا ابوالحسن، نثر طویلی، ج ۱ - ص ۱۰۶
- ۲۵- سوره سبأ، آیه ۳۳ و ۳۵
- ۲۶- سوره علق، آیه ۷
- ۲۷- سوره بقره، آیه ۲۱۳
- ۲۸- نجفی علمی، محمد جعفر، جامعه و سنن اجتماعی در قرآن، ص ۲۷۴ - چاپ اول (۱۳۷۱) انتشارات وزارت ارشاد
- ۲۹- سوره شوری، آیه ۱۴
- ۳۰- سوره توبه، آیه ۳۳

۳۱- سوره توبه، آیه ۳۱

۳۲- سوره بقره، آیه ۷۵

۳۳- سوره طه، آیه ۸۵

۳۴- سوره بقره، آیه ۱۴۳

۳۵- سوره آل عمران، آیه ۱۳۹

۳۶- سوره اعراف، آیه ۹۶

۳۷- سوره شوری، آیه ۳۷

۳۸- سوره آل عمران، آیه ۱۵۹

۳۹- سوره ص، آیه ۲۶

۴۰- سوره جمعه، آیه ۲

۴۱- سوره آل عمران، آیه ۱۶۳

۴۲- سوره اعراف، آیه ۶۵

۴۳- سوره اعراف، آیه ۸۵

۴۴- سوره هود، آیه ۶۱

۴۵- سوره شعراء، آیه ۱۰۶

۴۶- سوره شعراء، آیه ۱۶۱

۴۷- امام خمینی، منشور روحانیت، ص ۲۳ (۶۷/۱۲/۳۰)

۴۸- سوره نساء، آیه ۵۹

۴۹- سوره نساء، آیه ۱۴۱

۵۰- سوره فتح، آیه ۲۹

۵۱- سوره آل عمران، آیه ۵۹

۵۲- سوره بقره، آیه ۱۹۵

۵۳- سوره آل عمران، آیه ۱۰۲

۵۴- سوره آل عمران، آیه ۱۱۰

۵۵- آیه الله خامنه ای، کوثر ولایت، سخنرانی ۲۲ تیرماه ۱۳۷۱

۵۶- آیه الله خامنه ای، جمهوری اسلامی ۲۴ خرداد ۱۳۷۵

۵۷- امام خمینی، منشور روحانیت (۷۶/۱۲/۳۰)

۵۸- آیه الله خامنه ای، همشهری (۷۵/۹/۱۷)

